



۷ باور غلط درباره "آلبرت اینشتین"

بدون شک آلبرت اینشتین یکی از مهم‌ترین دانشمندان تمام دوران است اما همواره برخی از باورها در مورد وی وجود داشته است که درست نیستند.

بدون شک آلبرت اینشتین یکی از مهم‌ترین دانشمندان تمام دوران است اما همواره برخی از باورها در مورد وی وجود داشته است که درست نیستند.

به گزارش ایسنا، آلبرت اینشتین یکی از تاثیرگذارترین دانشمندان تاریخ است. با توجه به مکتب فکری وی، زمانی که در آن می زیسته و شخصیت بارز علمی و شهرتش عجیب نیست که افسانه‌های متعددی از زمان مرگش تاکنون دهان به دهان چرخیده باشد.

از کند ذهن بودن در زمان مدرسه گرفته تا چپ دست بودنش، همه از این دسته خرافات فانتزی هستند. در حالی که ادعاهایی در مورد خوانش پیشی (عارضه ای در خواندن متون) اینشتین قابل بحث است، اما برخی از جنبه‌های کمتر شناخته شده مبتنی بر واقعیت از این مرد بزرگ وجود دارد که در واقع جالب تر از بسیاری از افسانه‌های مربوط به اوست.

بنابراین در اینجا به بازگویی ۷ باور درباره اینشتین می پردازیم که باید دست از باور آنها برداشت:

۱. اینشتین به "ساخت بمب اتم" کمک کرده است

این یک باور غلط است که مدام تکرار می شود و این شایعه به احتمال زیاد به علت فعالیت پیشگامانه وی قبل از جنگ جهانی دوم ساخته شده است.

اینشتین در سال ۱۹۳۹ متوجه شد که سوسیالیست‌های ملی در آلمان موفق به تجزیه اتم اورانیوم شده اند. این خبر که رژیم نازی ممکن است به توسعه چنین سلاح قدرتمند و مرگباری نزدیک باشد، او را وحشت زده کرد.

این خبر الهام بخش بسیاری از دانشمندان برجسته از جمله اینشتین برای نگارش یک نامه به روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا بود که هر کاری می تواند انجام دهد تا اطمینان حاصل شود که اول آمریکا به این فناوری دست پیدا می کند. "پروژه منهتن" پس از این نامه فی الفور طرح ریزی و آغاز شد. دانشمندان برجسته ای نظیر "انریکو فرمی"، "اوپنهاইمر" و دیگران برای تسریع در توسعه تکنولوژی هسته ای ایالات متحده استخدام شدند.

اما دیدگاه‌های سیاسی اینشتین که یک حامی آزاد سوسیالیسم بود باعث شد بسیاری در ارتش و دولت آمریکا به انگیزه و غرض اینشتین شک کنند. در حقیقت او از "ولادیمیر لینن" تعریف و تمجید می کرد. چنان که در جایی می گوید: من به لینن به عنوان مردی که به طور کامل از خود گذشته و تمام انرژی خود را به تحقق عدالت اجتماعی اختصاص داده است، احترام می گذارم. من روش‌های او را عملی نمی دانم اما از یک چیز مطمئن هستم و آن این که مردانی نظیر او نخبه‌انان و اعاده کننده وجدان بشریت هستند.

بنابراین او قابلیت کسب مجوزهای لازم امنیتی مورد نیاز برای عضویت در "پروژه منهتن" را نداشت. اگرچه نقش مهم اما غیر مستقیمی در این پروژه ایفا کرد اما هیچ گاه به طور رسمی بخشی از این پروژه نبود.

۲. اینشتین دانش آموز کند ذهنی بوده است

اغلب ادعا می شود که اینشتین در مدرسه دانش آموز خوبی نبوده است. نه اینکه بد رفتار کرده باشد بلکه در واقع از دانش آموزان ممتاز کلاس نبوده است.

این موضوع شایعه ای بیش نیست. ادعاهایی نظیر این که او دیر زبان باز کرده یا این که در امتحانات مختلف مردود می شده مطرح است که به نظر نمی رسد به واقعیت نزدیک باشد بلکه حقیقت این است که اینشتین به عنوان شاگرد اول از دبیرستان فارغ التحصیل شده است.

وی در اولین ترم دانشگاه نیز بالاترین نمره ممکن را در هر درس کسب کرد.

یک نقطه ضعف دیگر که در مورد اینشتین گفته می شود این است او در امتحان ورودی دانشکده پلی تکنیک فدرال سوئیس رد شده است. اما باید توجه داشت که این آزمون به زبان فرانسه و نه به زبان مادری وی بود و اینشتین دو سال از اغلب دانشجویان کوچک تر بود.

در حالی که او نابغه ریاضی بود، اما به نظر می رسید که با درس‌های گیاه‌شناسی، زبان و زیست‌شناسی مشکل دارد.

۳. اینشتین چپ دست بوده است

این شاید یکی از جالب‌ترین شایعات در مورد اینشتین باشد. در یک برهه از تاریخ بدون هیچ دلیل روشنی باور به ارتباط بین چپ دستی و نبوغ بسیار فراگیر شد. در حالی که چپ دستی و راست دستی هیچ ارتباطی به توانایی فکری ندارند.

بنابراین ترجیح داده شد تا از اینشتین نیز به عنوان یکی از تاثیرگذارترین دانشمندان تمام دوران به عنوان یک فرد چپ

دست یاد شود.

سند راست دستی اینشتین نیز در چند عکس که قلم را با دست راست نگه داشته و یا با دست راست ویولن می نوازد مشهود است. وی همچنین معمولاً در حال نوشتن و اشاره به تخته سیاه با دست راست دیده شده است.

۴. اینشتین انتخاب کرد گیاه خوار شود

باور اشتباه دیگر درباره اینشتین است که در سال های اخیر رایج شده این ادعا است که اینشتین داوطلبانه تصمیم به خوردن گوشت و تبدیل شدن به یکی از اولین گیاه خوارهای برجسته تاریخ در جهان شد. این موضوع در واقع حقیقت ندارد. اینشتین در طول زندگی خود با مشکلات گوارشی روبرو بود. او اغلب از زخم معده، زردی، التهاب کیسه صفرا و درد روده رنج می برد.

به همین دلیل پزشکش به او توصیه کرد که خوردن گوشت را متوقف کند و احتمالاً همین موضوع منشأ پیدایش این شایعه شده است. بنابراین اینشتین به انتخاب خود رو به گیاه خواری نیاورده است. البته اینشتین بعدها اذعان کرد که در هنگام خوردن گوشت احساس گناه می کرده و با استدلال های اخلاقی در مورد گیاه خواری موافق است. اما با وجود این، او گیاه خواری را به طور داوطلبانه انتخاب نکرده بود، بلکه یک ضرورت پزشکی بود.

۵. اینشتین از سندرم آسپرگر رنج می برده است

یک شائبه دیگر درباره اینشتین این است که او از سندرم آسپرگر (Asperger) رنج می برده است. نشانگان آسپرگر یا سندرم آسپرگر (Asperger syndrome) یک نوع اختلال رشد عصبی است که با مشکلات قابل توجه در ارتباط بین فردی و ارتباط غیر کلامی مشخص می شود که معمولاً به همراه علایق و رفتارهای وسواسی و تکراری است. اولین بار در سال ۱۹۴۴ پزشک اتریشی به نام هانس آسپرگر با انتشار مقاله ای آن را توصیف کرد. سندرم آسپرگر به صورت شکل ملایمی از طیف اوتیسم شمرده می شود و وجه تمایز آن حفظ مهارت های تکلمی و هوش (iQ) بسیار بالا و حافظه بلند مدت قوی است. هرچند بعضی از پژوهش ها نشان دهنده تفاوت اساسی بین سندرم آسپرگر و اوتیسم با عملکرد بالا است.

در حالی که اینشتین به لذت بردن از شرکت خود مشهور بود و گاهی اوقات نیز خشن، بی ادب و بی عاطفه به نظر می رسید، اما این بدان معنا نیست که او از سندرم آسپرگر رنج می برده است.

در کل با توجه به گزارش های مختلف به نظر نمی رسد شواهد معتبری مبنی بر این که اینشتین در طول زندگی خود با مسائل اجتماعی و مشکل در برقراری ارتباط با دیگران مواجه بوده است وجود داشته باشد. او همچنین در طول دهه ۱۹۲۰ بسیار سفر کرد و خاطرات مفصلی از افرادی که ملاقات کرده و با آنها ارتباط برقرار کرده بود در دفتر خاطرات خود نوشته است. اینشتین در طول زندگی خود دارای روابط نزدیکی با پزشکان بوده و هیچ کدام از آنها هرگز گزارشی مبنی بر اختلال روابط اجتماعی در وی نداده اند.

۶. اینشتین دچار خوانش پریشی بوده است

هستند کسانی که دوست دارند ادعا کنند که اینشتین دچار اختلال خوانش پریشی بوده است. این شایعه تا حدودی با ادعاهای قبلی مبنی بر این که او دانش آموز تنبلی بوده است یا در واقع از سندرم آسپرگر رنج می برده مرتبط است. اما همانطور که مشاهده کردیم، هر دوی این ادعاها درباره اینشتین باطل است.

خوانش پریشی، دش خوانی یا دیسلیکسی (Dyslexia) یک اصطلاح عام برای تشریح معلولیت آموزشی است. این معلولیت موجب اختلال در روان خوانی یا درک مطلب می شود. این ناتوانی می تواند خود را به عنوان یک مشکل در رابطه با واج خوانی و رمزگشایی، دیکته، مهارت شنوایی، حافظه کوتاه مدت یا نامگذاری سریع آشکار کند.

خوانش پریشی اغلب به عنوان یک بیماری عصبی شناخته شده است که باعث می شود مشکلاتی در ترجمه زبان در ذهن و بالعکس به وجود بیاید. به همین علت افراد دیسلکسیک اغلب از مشکلاتی در خواندن، نوشتن، هجی کردن، صحبت کردن یا گوش دادن رنج می برند.

آیا واقعاً می توان این اختلال را به اینشتین نسبت داد؟ او بر زبان آلمانی تسلط داشت و توانایی خود را در نوشتار و سخنرانی با مهارت بالا نشان داده بود.

۷. اینشتین فقط یک نظریه پرداز بوده است

اینشتین یک شخصیت چند وجهی داشته و برخلاف تصور عامه فقط یک نظریه پرداز نبوده است. در حالی که وی نزد جهانیان با کارهایش در فیزیک نظری شناخته می شود اما او ظاهراً از اختراع نیز لذت می برده است.

اینشتین بین سال های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۹ در دفتر ثبت اختراع سوئیس کار می کرد. در طول این دوره گاهی نیز شاهد متخصص آزمایش پرونده های ثبت اختراع بود.

به نظر می رسد که این کار تأثیری طولانی بر این مرد داشته است و او بیش از ۵۰ اختراع ثبت شده در ۷ کشور جهان دارد.

برخی از اختراعات او خارج از نظریه های وی در فیزیک نسبت هستند. اختراعات او عبارتند از دوربین خود-تنظیم، دستگاه صوتی الکترومغناطیسی و معروف ترین اختراع وی که یک یخچال بی صدا و کم مصرف و سازگار با محیط زیست بوده است.

این یخچال که با همکاری یکی از شاگردانش به نام "لئو زیلارد" ساخته شد، یک یخچال و فریزر جذبی بود که هیچ قسمت متحرکی نداشت و تنها از گرما به عنوان ورودی استفاده می کرد.